

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هفتم، شماره‌ی بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۳-۱

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه بر اساس نظریه بازنمایی استوارت هال

عباس پناهی*، اسدالله محمدزاده**

چکیده

سفرنامه‌نویسان فرانسوی عصر قاجار در گزارش‌های خود، به مسأله‌ی زنان توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. از آن‌جایی که زنان شهری کارکردی متفاوت با زنان روستایی در ایران داشتند، این موضوع بازتابی جدی در سفرنامه‌های آنان داشت. پژوهش حاضر، با استفاده از نظریه‌ی بازنمایی استوارت هال و روش توصیفی - تحلیلی تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که نگرش سفرنامه‌نویسان فرانسوی نسبت به زنان ایران در دوره قاجار چگونه بوده است؟ در پاسخ می‌توان این مدعا را مطرح کرد که دو نگرش کلی در مقوله‌ی زن از این سفرنامه‌ها قابل استنباط است: نگرش تحسین‌آمیز و دیگر، نگاه شرق‌شناسانه نسبت به زن ایرانی. نگاه نخست، بیشتر مثبت و نگاه دوم تا حدودی منفی است. یافته‌های دیگر پژوهش نشان می‌دهد که هرچند سیاحان فرانسوی در سفرنامه‌هایشان، زن ایرانی را از جهات متعددی مورد توجه و گاه آنان را مورد ستایش قرار داده‌اند و توصیف‌های آنان با توجه به محدودیت‌هایشان در مطالعه‌ی زنان جامع بوده است؛ ولی در بازنمایی این مؤلفه‌ها چندان موفق عمل نکرده‌اند. واژه‌های کلیدی: بازنمایی، زن ایرانی، سفرنامه‌ها، سیاحان فرانسوی، عصر قاجار.

* استادیار تاریخ پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان. ایمیل: panahi76@yahoo.com

** دانشجوی کارشناس ارشد ایرانشناسی دانشگاه گیلان. ایمیل: asadmz101@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۴ تاریخ تایید: ۹۵/۷/۴

مقدمه

سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع تاریخی و مردم‌شناسی هستند که می‌توانند آشکارکننده‌ی تاریکی‌های دانش ما درباره‌ی فرهنگ و تاریخ یک ملت باشند. بسیاری از پژوهش‌های فرهنگی درباره‌ی ایران عصر قاجار، توسط سیاحان اروپایی در قالب سفرنامه نگاشته شده است. سفرنامه‌های عصر قاجار به دلیل ورود دانش نوین اروپایی و نگاه انتقادی سیاحان به جامعه‌ی ایران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. سیاحان فرانسوی در این عصر، با اهداف متفاوتی به ایران روی آوردند؛ ایران برای بسیاری از این جهانگردان هدف سفر و برای گروهی دیگر مسیر عبور برای رفتن به دیگر کشورها بود. در عصر قاجار سیاحان اروپایی با نگاهی دقیق‌تر به مسائل اجتماعی و فرهنگی ما پرداخته‌اند و سیاحان فرانسوی، بیشتر از دیگران به مسائل فرهنگی تمایل نشان داده‌اند. علاوه بر این از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، به جهت رقابت سیاسی روسیه و انگلستان در ایران، از آنجا که فرانسوی‌ها مانند دیگر رقبای اروپایی خود، به دنبال اهداف سیاسی - استعماری در ایران نبودند، سفرنامه‌های فرانسویان در این عصر مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته است.

در عصر قاجار، سفرنامه‌های زیادی درباره‌ی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران نگارش شده است. با این حال از نظر موضوعی، می‌توان این سفرنامه‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم کرد. از سوی دیگر، به جهت تمایلات استعماری که انگلستان و روسیه نسبت به ایران داشتند، سفرنامه‌های اتباع این کشورها تفاوت‌های بسیاری با سفرنامه‌های کشورهای دیگر اروپایی دارند. هرچند فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی مبرا از نگاه استعماری نسبت به ایران نبودند؛ اما پس از سقوط ناپلئون روابط ایران و فرانسه وارد مرحله جدیدی گشت و از این زمان اغلب گزارش‌هایی که از جامعه ایران باقی مانده است رویکرد متفاوتی نسبت به سفرنامه‌های انگلیسی و روسی دارد. از جمله‌ی این موضوعات که در اکثر سفرنامه‌های سیاحان فرانسوی عصر قاجار مشاهده می‌شود، موضوع زن است.

سفرنامه‌ها با توجه به این که در دوره‌هایی از تاریخ ایران، تدوین شده‌اند که متون تاریخی عمدتاً تحت نظارت دربارها و حکومت‌ها تدوین می‌شدند و مملو از تحریف و

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۳

تملق‌های غیرواقعی بودند؛ و کمتر به زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم عادی توجه داشتند، و تا حدود زیادی خلاء تاریخ اجتماعی را درون زمانه خود برطرف ساخته‌اند، به جهت این که سیاحان اجبار و یا مأموریتی جهت تدوین موضوع‌های مورد اشاره نداشته‌اند، مطالبشان برای تحقیق‌های تاریخ اجتماعی بکر و جالب به نظر می‌رسد.

در این نوشته، سعی شده تا نشان داده شود که موضوع زن چگونه در این سفرنامه‌ها بازتابی شده است. به نظر می‌رسد دلایل متعددی در این امر دخیل بوده‌اند که از جمله آن‌ها این مسأله است که در عصر مورد مطالعه، حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی به ویژه در شهرهای بزرگ، بسیار کم بوده و در صورت حضور نیز به دلیل پوشش کامل، همیشه سیاحان و جهانگردان را تحریک می‌کرد تا به دلیل تفاوت‌های پوششی که بین زنان اروپایی و ایرانی وجود داشت، سیمای زن ایرانی را در سفرنامه‌های خود توصیف کنند، به طوری که اگر یکی از آنان حتی به اندازه‌ی مدت زمانی اندک می‌توانست به اندرونی خانه‌ی راه یابد آن را موفقیتی بزرگ برای خود قلمداد می‌کرد.

بررسی و تحلیل این مسأله که بازتابی سفرنامه‌نویسان فرانسوی عصر قاجار بر اساس چه مؤلفه‌هایی انجام گرفته است؟ و با چه رویکردی می‌توان به موضوع نگریست؟ و این که تنوع نگاه به زن و برداشت‌های متفاوت از این مقوله بر اساس چه دیدگاه‌هایی شکل پذیرفته است؟ و این بازتابی از دریچه‌ی فرهنگ اروپایی صورت گرفته یا فرهنگ شرقی نیز در آن لحاظ شده است؟ از پرسش‌هایی است که پژوهش حاضر تلاش دارد بدان‌ها پاسخ دهد.

به نظر می‌رسد با توجه به تنوع نگاه‌های موجود در نوشته‌های سیاحان، نمی‌توان با یک رویکرد به مطالعه‌ی این مقوله پرداخت. بنابراین انتخاب یک چارچوب نظری متناسب با موضوع مورد بحث، اولین و مؤثرترین گام برای رسیدن به یک نتیجه‌ی قابل قبول است. با توجه به نظریه‌ی بازتابی و رویکردهای سه‌گانه‌ی آن می‌توان این‌گونه مطرح کرد که خوانش خوانندگان و تجزیه و تحلیل مطالب سفرنامه‌ها بر اساس رویکرد سوم نظریه‌ی بازتابی امکان‌پذیر است. در این نوشته سعی گردیده سفرنامه‌های مختلف به گونه‌ای انتخاب گردد که دیدگاه‌های متفاوتی مورد مطالعه قرارگیرد. به عبارت دیگر طیف‌های

مختلف نگارندگان مدنظر بوده است: نخست؛ سیاحان، بازرگانان و پزشکان که هدف اصلی آنان گشت و گذار، تجارت و کسب درآمد بوده است دوم؛ سفرا و صاحب منصبان دولتی و در نهایت؛ افسران و کارشناسان نظامی.

در زمینه‌ی سفرنامه‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی به چاپ رسیده است و اغلب این سفرنامه‌ها به موضوع زن اشاره و بیشتر این آثار جنبه‌ی توصیفی دارند. جمال‌زاده در کتاب *خلقیات ما ایرانیان*، با گردآوری نوشته‌های سیاحان درباره‌ی ویژگی‌های ایرانیان کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که دیگران درباره‌ی ایرانیان چه گفته‌اند؟^۱ با این حال از کتاب‌های مستقلی که در زمینه‌ی زنان با تکیه بر سفرنامه‌ها نوشته شده‌اند، می‌توان به کتاب *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی* نوشته‌ی میترا مهرآبادی^۲ و نیز کتاب *تاریخ خانم‌ها* نوشته‌ی بنفشه حجازی اشاره کرد. هر دو کتاب یاد شده اگرچه در این زمینه بسیار ارزشمند هستند؛ اما فقط به استخراج و دسته‌بندی مطالب مربوط به زنان در سفرنامه‌ها پرداخته‌اند و ضمن نقد برخی از مطالب، تحلیلی از این نوشته‌ها ارائه نداده‌اند. ژان شیپانی نیز در کتاب *سفر اروپاییان به ایران*، با نگاه تحلیلی رویکرد اروپاییان به جامعه ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده است. با این حال درباره‌ی بازنمایی زن در سفرنامه‌ها مطالبی در این کتاب دیده نمی‌شود.

رویکردهای پژوهش

پژوهش حاضر با سه رویکرد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است: نخست؛ سفرنامه‌های فرانسویان در دوره‌ی قاجار تا انقلاب مشروطه برای پژوهش حاضر انتخاب گردیده است؛ زیرا در مناسبات سیاسی ایران، فرانسویان کمتر از انگلیسی‌ها و روس‌ها دارای منافع سیاسی در ایران بودند،^۳ در عوض در زمینه‌های فرهنگی فرانسویان سعی

۱. محمدعلی جمالزاده (۱۳۴۵)، *خلقیات ما ایرانیان*، تهران: کتابخانه فروغی، ص ۱۰.

۲. نک. میترا مهرآبادی (۱۳۷۹)، *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی*، تهران: آفرینش.

۳. عباس پناهی، «بازتاب فرهنگ و اجتماع ایران در سفرنامه‌های اروپاییان»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۳، ۱۳۸۸، ص ۶۱.

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۵

می‌کردند حضور پررنگ‌تری داشته باشند به همین نسبت در سفرنامه‌ها یا گزارشات فرانسویان جهت‌گیری فرهنگی به مراتب بیشتر است.^۱ از میان این سفرنامه‌ها، سفرنامه‌های ترجمه شده عصر قاجار مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

دوم؛ نظریه‌ی بازنمایی استوارت هال که بیشتر یک نظریه‌ی فرهنگی است، برای تحلیل این گفتمان و چارچوب نظری پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است.

سوم؛ چگونگی بازنمایی زن در سفرنامه‌های فرانسویان در این دوره‌ی تاریخی، موضوعی است که تاکنون در چارچوب یک نظریه‌ی فرهنگی بدان پرداخته نشده است، اگرچه در خلال نوشته‌های مختلف این موضوع مطرح شده است.

چارچوب نظری پژوهش

اگرچه تاکنون در زمینه‌ی بررسی سفرنامه‌ها پژوهش‌های متعددی ارائه گردیده است؛ اما کمتر در یک چارچوب نظری خاص به این امر پرداخته شده است. بررسی سفرنامه‌های فرانسویان در عصر قاجار بر اساس نظریه‌ی «بازنمایی» موضوعی است که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد.

نظریه‌ی بازنمایی

بازنمایی واژه‌ای است که به طور عام در حوزه‌ها، حرفه‌ها و قلمروهای بسیار متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای درک مفهوم بازنمایی در حوزه‌ی فلسفه، به آرای کانت ارجاع می‌شود و در بحث‌های زبان‌شناسانه از تولید مجموعه منظمی از نشانه‌ها صحبت به میان می‌آید. برای فهم مفهوم بازنمایی در حوزه‌ی مردم‌شناسی نیز از این بحث می‌شود که چگونه مردم در دل هر فرهنگی، «معنی» را می‌سازند و آن معنی را ارزش‌گذاری می‌کنند. در واقع به طور کلی، باید گفت از آنجایی که بازنمایی، کاربردهای زیادی در حوزه‌های فلسفه، روانشناسی، فیلم، رسانه، ارتباطات، هنر و سیاست دارد، معانی مختلفی نیز یافته

۱. محمدتقی پوراحمد جکتاجی (۲۵۳۵)، فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران، تهران: کتابخانه ملی ایران، ص ۱۳.

است.

در بسیاری از مکاتب که به بحث در مورد بازنمایی می‌پردازند، از این مفهوم به عنوان راهی برای ارزیابی معنای نهفته در متن یاد می‌شود. این که زنان چگونه در یک فیلم بازنمایی می‌شوند، می‌تواند هم به نظر فیلمساز و هم به نحوه‌ی نگاه کلی جامعه نسبت به زنان برگردد. از سوی دیگر، بازنمایی نقشی اساسی در زندگی روزمره‌ی انسان‌ها بازی می‌کند و باعث می‌شود دو طرف رابطه در روابط بین فردی، یکدیگر را بشناسند و درک کنند. این که انسان‌ها خود با تجربیات، آزمون‌ها و علایق پیش‌رو ساخته می‌شوند هم در واقع به نوع بازنمایی آنها از آن موقعیت‌ها، بازمی‌گردد. به این ترتیب، این موقعیت‌ها به فرد، احساسی ناب از تجربه‌ی جهان نمی‌دهند، بلکه او را در تصاویری درگیر می‌کنند؛ تصاویری از آنچه بازنمایی شده است. به این ترتیب آنچه او می‌بیند چیزی نیست که واقعاً وجود دارد، بلکه چیزی است که سنت‌های فرهنگی و اجتماعی و پیشینه‌ی تاریخی به او ارائه می‌کنند.

امروزه مفهوم بازنمایی به شدت و امدار آثار استوارت هال^۱ است و به ایده‌ای بنیادین در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای میدل شده است. هال به مفهوم بازنمایی با رویکرد نوینی پرداخته که متأثر از دیدگاه‌های متفکرانی مانند فوکو و دیگران برای بسط نظریه‌ی بازنمایی بوده است.

هال، بازنمایی را به همراه تولید، مصرف، هویت و مقررات، بخشی از «چرخه‌ی فرهنگ»^۲ می‌داند. او در ابتدا این ایده را مطرح می‌کند که «بازنمایی، معنا و زبان را به فرهنگ ربط می‌دهد»^۳ و سپس در ادامه‌ی بحث خود، به بسط ابعاد مختلف ایده‌ی بازنمایی - که مشتمل بر مفاهیم معنا، زبان و فرهنگ است - می‌پردازد و از خلال تحلیل‌های خود نگاهی جدید به مفهوم بازنمایی را شکل می‌دهد؛ مفهومی که به گفته‌ی خود هال فرایندی ساده و سر راست نیست. هال برای بیان چگونگی ارتباط میان بازنمایی، معنا، زبان و فرهنگ سعی می‌کند برداشت‌های متفاوت از بازنمایی را در یک طبقه‌بندی نظری کلی بیان

1. Stuart Hall

2. The Circuit of Culture

3. Hall, Stuart, (1997), The Work of Representation, in cultural Representation and Signifying Practice, Sage publication, p.15.

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۷

کند. از این منظر، نظریه‌های بازنمایی در سه دسته‌ی کلی قرار می‌گیرند:

۱- رویکرد بازتابی؛ معتقد است که کارکرد زبان مانند یک آینه بازتاب معنای صحیح و دقیقاً منطبق از جهان است. این دیدگاه هم‌ارز با نگاه یونانی‌ها به هنر و زبان تحت عنوان واژه‌ی «مایمیسیس» است. آنها اشعار هومر را تقلید مستقیم از حوادث حماسی می‌دانستند.^۱

۲- رویکرد تعمدی (ارجاعی)؛ ناظر بر این است که کلمات، معنایی را که مؤلف قصد آن را دارد، با خود حمل می‌کنند؛ اما این دیدگاه دارای کاستی‌هایی است. ما نمی‌توانیم تنها منبع منحصر به فرد و یکه‌ی معنا در ساحت زبان باشیم؛ چرا که این رویکرد زبان را به یک بازی تماماً خصوصی بدل می‌کند و این در حالی است که زبان نظامی سراسر اجتماعی است.^۲

۳- حال رویکرد سوم را منطبق با ویژگی عمومی و اجتماعی زبان می‌داند و آن را رویکرد «برساختی» می‌نامد. بر مبنای این رویکرد، چیزها هیچ معنای خودبسنده‌ای ندارند بلکه ما، معانی را می‌سازیم و این عمل را به واسطه‌ی نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم.^۳

پرداختن به موضوع زن در سفرنامه‌ها

نکته‌ای که ضمن بررسی و مطالعه‌ی سفرنامه‌های فرانسویان برجسته است، پرداختن آن‌ها به موضوع زن است. از میان سفرنامه‌های مطالعه شده عصر قاجار تا پیش از مشروطه، تنها موردی که به این موضوع اشاره نکرده است، یادداشت‌های ژنرال تره زل در سفر به ایران است.^۴ این در حالی است که همتای نظامی تره‌زل یعنی گاسپار دروویل به موضوعات فرهنگی از جمله زنان، علاقه‌ی بیشتری از خود نشان داده است. به جز چهره‌های نظامی، شخصیت‌های سیاسی نیز به نقش و کارکرد زنان علاقه نشان داده‌اند. از جمله این

1. Ibid, p.24.

2. Ibid, p.25.

3. Ibid, p.26.

۴. نک. تره زل (۱۳۶۱)، یادداشت‌های ژنرال تره زل در سفر به ایران راجع به سال‌های ۱۸۱۲-۱۷۸۰، به

اهتمام ژ. ب. دوما. ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: فرهنگسرا، یساولی.

شخصیت‌ها، گوینو است. وی در این باره می‌نویسد: «اما قبل از آن‌که به این‌گونه صرف اوقات پردازم باید چند کلمه‌ای درباره‌ی زنان بگویم تا در سفرنامه‌ام کمبودی باقی نگذاشته باشم». ^۱ کنجکاوی سیاحان و سفرنامه‌نویسان در پیرامون موضوع زن در عصر قاجار، قابل توجه است. «بن‌تان» به جهت عدم مشاهده‌ی زنان شهرنشین و اربابی در منازلشان می‌نویسد: «در این مدت نتوانستم حتی یک بار داخل منازلی را که دعوت می‌شدم ببینم. زنان از پس پرده مرا تماشا می‌کردند ولی من هیچکدام را نتوانستم ببینم». ^۲

کنجکاوی سیاحان درباره‌ی وضعیت زنان، پوشش آن‌ها و کارکردشان در اندرونی خانه‌های اربابی موجب شده است تا پرسش‌های زیادی در ذهنشان ایجاد شود و این مسأله نیز در آثارشان بازتاب یافته است. به‌طوری‌که آنه در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «این زنان زشتند یا زیبا و پیرند یا جوان؟ معلوم نیست. این معمای پیچیده در پرده، در برخورد اول نوعی خشم آمیخته با کنجکاوی در مردان اروپایی به وجود می‌آورد و اتفاقاً به نظر من این موجوداتی که هیچ چیزشان معلوم و مشخص نیست بیش از زنانی که ما به دیدنشان عادت کرده‌ایم توجه را به خود جلب می‌کنند». ^۳

مشاهده‌ی چهره‌ی زن ایرانی با بیانی اکتشافی از سوی آنه بیان می‌شود؛ وی با شغف می‌نویسد: «به طور طبیعی و بنا بر عادت یک مرد اروپایی، من زنان را با کنجکاوی و در عین حال توجه بیشتری نگاه می‌کردم ... البته فقط نگاه می‌کردم بی‌آنکه چیزی ببینم. با وجود این من در طی سفرم به ایران، موفق به دیدن چهره‌ی دو زن ایرانی شدم». ^۴ گاهی نیز روایت‌های غیرواقعی و ماجراجویانه از زندگی زنان در خانه‌های اشرافی از سوی سیاحان بیان می‌شود به طوری‌که «آنه» می‌نویسد: «خوشبختانه گاهی که در پشت بام منزلم قدم می‌زدم زنی را در حیاط منزلش می‌دیدم ولی این در صورتی بود که نگاهی‌اش حضور

۱. آرتور گوینو (۱۳۶۷)، سفرنامه‌ی کنت دو گوینو؛ سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب‌سرا، ص ۴۰۵.

۲. آگوست بن تان (۱۳۵۴)، سفرنامه بن تان، ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه، تهران: سپهر، ص ۱۰۸.

۳. کلود آنه (۱۳۷۰)، گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: روایت، ص ۱۶۲.

۴. همان، ۱۶۳.

نداشت وگرنه فوراً او را مجبور می‌کرد داخل منزل شود و گاه او را با ترکه می‌زد»^۱. این توجه، شامل پرداختن به پوشش زنان، زیبایی آنان، زنان حرم‌سراها، زنان شهری، زنان روستایی و عشایری است. در این میان مسأله‌ای که بیش از همه مورد توجه سیاحان واقع شده، حرم‌سراها و تعدد زوجات مردان ایرانی است. توجه به زیبایی ظاهر و نحوه پوشش نکاتی است که در مراحل بعدی، مورد توجه سفرنامه‌نویسان واقع شده است. البته نباید از این نکته نیز غافل بود که به دلیل سکونت و مراودات این نویسندگان در شهرها، ملاک قضاوت و ارزیابی شخصیت و عملکرد زنان ایرانی، زنان شهرنشین بوده است. در حالی که درباره‌ی زنان سایر طبقات جامعه به ویژه زنان روستایی و عشایری، وضعیت به گونه‌ای دیگر بود؛ این زنان نقش موثری در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی داشتند. در تأیید این نظریه می‌توان به گزارش آنه از حرم‌سراهای ثروتمندان اشاره کرد. او معتقد است حرم‌سراهای ثروتمندان را می‌توان بی‌چون وچرا با بهشت واقعی روی زمین مقایسه نمود؛ زیرا گذشته از تعداد زیاد زن‌های زیبا که در آن به سر می‌برند، آکنده از اشیای ضروری و تفریحی گرانبها است.^۲

- بازنمایی سیمای زن ایرانی: سیاحان فرانسوی در پرداختن به این مقوله، تلاش داشتند تا بتوانند جوانب مختلف مرتبط با موضوع زن را به گونه‌ای همه جانبه بازنمایی کنند. ولی از آنجا که این افراد به ندرت اجازه‌ی ورود به اندرونی خانه‌ها یا کاخ‌ها را می‌یافتند در نتیجه با توجه به پوشش زنان، کمتر می‌توانستند چهره‌ی زنی را ببینند و اغلب به کلی‌گویی پرداخته‌اند. لذا با این برداشت کلی به مقایسه‌ی زنان ایرانی با زنان دیگر سرزمین‌ها می‌پرداختند. از این رهگذر دیدگاه‌های متفاوت و متعددی ارائه کرده‌اند که به شمه‌ای از آنها اشاره می‌شود.

- نگاه ستایش‌آمیز به زن ایرانی: با وجود این که اغلب سیاحان نگاهی ماجراجویانه درباره‌ی زنان ایرانی داشته و آنها را موجودی فاقد آزادی زنان اروپایی و زندانی حرم‌ها و خانه‌ها توصیف می‌کردند، برخی از سیاحان نگاهی واقع‌بینانه و ستایش‌آمیز داشته و زنان

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۷.

ایرانی را به جهت وفاداری به خانواده و نقش آنان در تربیت فرزندان و گرم نگاه داشتن کانون زندگی مورد ستایش قرار می‌دادند.^۱ ذیل این مبحث مطالبی که جنبه‌ی تمجیدی داشته و به نوعی تحسین سیاحان را برانگیخته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. گاسپار دروویل در این زمینه می‌نویسد: «اروپایی‌ها افکار بسیار نادرستی درباره‌ی میزان آزادی زنان ایرانی دارند. آنچه من می‌دانم زن‌های هیچ کشوری به اندازه‌ی زنان ایرانی آزادی عمل ندارند. ضمناً موقعی که صاحب فرزند می‌شوند کمتر زنی پیدا می‌شود که وظایف مادری را به اندازه‌ی آنها به درستی انجام دهد».^۲

- توصیف زیبایی زن ایرانی: توصیف زیبایی زنان ایرانی در سفرنامه‌های مورد پژوهش، یکی از شاخصه‌های مهم و برجسته‌ی این آثار است. با وجود این‌که سیاحان ارتباط زیادی با زنان نداشتند و کمتر موفق به مشاهده‌ی چهره‌ی زنان ایرانی شدند؛ اما با توجه به مقایسه‌ی زیبایی زنان ایرانی و اروپایی به ستایش زیبایی زنان ایرانی پرداخته‌اند. دروویل به جهت ارتباط با دربار و بزرگان ایرانی و مشاهده‌ی چهره‌ی برخی از زنان، به تحسین زیبایی آنان در سفرنامه‌ی خود پرداخته است. وی می‌نویسد: با وجود زیبایی چهره‌ی زنان ایرانی آن‌ها کمتر به زیبایی خود اعتراف داشته و به آن می‌بالند. آدر ادامه نیز می‌نویسد: زنان ایرانی زیباترین زنان دنیا هستند؛ زیرا نقصی در طبیعت آنها وجود ندارد. به عقیده‌ی وی زیبایی زن ایرانی مدیون آرایش آنها نبوده، بلکه این مسأله به جهت طبیعت ذاتی آنهاست.^۳

دروویل با توجه به نگاه ستایش آمیز شاعران ایرانی، راز توجه و ستایش زنان توسط شاعران را در زیبایی بی‌مثال زنان ایرانی می‌داند و در این زمینه می‌نویسد: «با تمام این احوال چنان چه در صدد عیب‌جویی برآیم تنها عیب آن‌ها به سلیقه‌ی من چهره‌ی بسیار گردشان است، درحالی‌که همین گردی صورت به نظر ایرانی‌ها یکی از شرایط اصلی زیبایی

۱. کنت ژولین روششوار (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نی، ص ۲۶.

۲. گاسپار دروویل (۱۳۶۴)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباویز، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۵۳.

۴. همان، ص ۵۴.

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۱۱

است. همه می‌دانیم که شاعران ایرانی در وصف جمال زن همیشه آن را با ماه شب چهارده مقایسه می‌کنند.^۱ بن‌تان نیز با مشاهده‌ی زنان ایرانی نتوانست شعف خود را از زیبایی زنان ایرانی پنهان نماید و می‌نویسد: «زنان ایرانی اکثر زیبا هستند و بخصوص درخشش و درشتی چشمانشان جلب توجه می‌کند».^۲

- مقایسه‌ی زنان ایرانی با زنان دیگر اقوام: از آنجایی که سیاحان معمولاً به شهرها و کشورهای متعددی سفر کرده‌اند؛ در نتیجه، به مقایسه مشاهدات خود می‌پرداختند. این مقایسه در مورد زنان هم صورت می‌گرفت. دروویل در مقایسه‌ی زیبایی زنان گرجی با زنان ایرانی معتقد است: زنان ایرانی نسبت به زنان گرجی زیباترند. وی می‌نویسد: «به جرأت می‌توان گفت که زیبایی هشتاد درصد زنان گرجی مدیون سفیدآب و سرخاب آنهاست. زن‌های گرجی در فاصله‌ی چهل تا پنجاه قدمی یا زیر نور چراغ شاید به‌نظر زیباتر از زن‌های ایرانی جلوه کنند، ولی کافی است که به آنها نزدیک شد تا این برتری از میان برود».^۳

- نگاه از بیرون به زن ایرانی (نگاه شرق‌شناسانه): در عصر قاجار راه‌یافتن به اندرونی خانه‌ی ایرانیان، برای اروپاییان امری دشوار و غیرممکن بود؛ زیرا نگاه و پرسش یک فرد خارج از خانواده به زن ایرانی برای مرد خانواده توهین بزرگی به شمار می‌رفت.^۴ با این حال، سیاحان در پرداختن به مقوله‌های فرهنگی نتوانسته‌اند از کنار این موضوع بی‌تفاوت عبور کنند و در جای‌جای نوشته‌هایشان به موضوع زن ایرانی پرداخته‌اند. اورسل به این مسأله توجه ویژه‌ای نشان داده است و می‌نویسد: «راه‌یافتن به داخل خانه‌ی ایرانی به این سادگی‌ها میسر نیست. «دیوار زندگی خصوصی» جمله‌ای نیست که از لحاظ علم معانی و بیان به حساب یک استعاره‌ی ساده یا صنعت بدیع گذاشته شود، بلکه یک دیوار واقعی

۱. همان.

۲. سفرنامه بن‌تان، ص ۱۰۸.

۳. سفر در ایران، ص ۵۵.

۴. فؤاد فاروقی (۱۳۶۱)، سیری در سفرنامه‌ها، تهران: عطایی، ص ۸۷؛ محمد دسوقی (۱۳۶۷)، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه‌ی شرق‌شناسی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: هزاران، ص ۲۶.

است با آجر و سنگ که در آن به ندرت به روی اروپاییان گشوده می‌شود.^۱ و در بسیاری از موارد ناآشنایی با سنن و رسوم ایرانی موجب شده تا این نگاه، رنگ قضاوت به خود بگیرد؛ تاجایی که شخصی چون گوینو را با وجودی که مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌ی فرهنگ و آداب و رسوم ایران دارد، و می‌دارد تا سنت شیربها را به عنوان فروش دختر مورد قضاوت قرار دهد. او درباره این سنت می‌نویسد: «در خانواده‌های مرفه معمولاً پدر دختر مبلغ سی تومان از نامزد مطالبه می‌کند که البته زیاد نیست و در بیشتر موارد والدین دختر آن را صرف زن جوان می‌کنند. بنابراین درست نیست که از سرنوشت دختری که قربانی شده و پدر وحشیش او را فروخته است تأسف بخوریم».^۲ و در جایی دیگر با تناقض‌گویی در مورد دو موضوع حفظ حریم خانواده و آزادی زنان - در عین حفظ حریم شخصی - این‌گونه ابراز نظر می‌کند: «زنان ایرانی به شدت در اندرون زندانی هستند به نحوی که هیچ کس در خارج، هیچ بیگانه‌ای که با خانواده‌ی آنان مربوط نباشد، اجازه‌ی ورود به اندرون را ندارد. اما از سوی دیگر کاملاً آزادند که از صبح تا شب و حتی از شب تا صبح به بهانه‌های مختلف از منزل خارج شوند».^۳

- نگاه منفی به زن (تحقیر یا تمسخر): به طور کلی اروپاییان نگاهی بدبینانه به فرهنگ و سنت‌های مشرق زمین و ایرانیان داشتند. پایه‌گذار این تفکر در عصر قاجار، جیمز موریه در کتاب حاجی بابای اصفهانی بود که همانند مانیفستی، مورد مطالعه سیاحان اروپایی که قصد سفر به ایران را داشتند، قرار می‌گرفت. به طوری که افرادی چون گوینو و کلود آنه که خود اذعان دارند نباید تفاوت‌های فرهنگی مانع قضاوت نادرست گردد، نتوانسته‌اند از این گونه قضاوت‌ها برکنار بمانند. دروویل درباره علت عدم آموزش زنان ایرانی می‌نویسد: «خانم‌های ایرانی بسیار بی‌اطلاع هستند. رسم این است که به آن‌ها هیچ چیز حتی خواندن و خیاطی کردن آموخته نشود. این اصل کلی به ندرت استثنا‌بردار است».^۴ گوینو نیز معتقد

۱. ارنست اورسل (۱۳۵۳)؛ سفرنامه‌ی اورسل، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص ۱۷۲-۱۷۱.

۲. سفرنامه کنت دو گوینو؛ سه سال در آسیا، ص ۴۰۶.

۳. همان.

۴. سفر در ایران، ص ۶۹.

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۱۳

است: «علاوه بر این، زنان ایرانی به زیارت می‌روند و در ازای هیچ چیزی در جهان، حاضر به چشم پوشیدن از آن نیستند».^۱

درباره تفاوت کارکرد زنان معمولی و مرفه، کلود آنه می‌نویسد: «در آن طرف زنی پیچیده در چادر مشغول زیر و رو کردن پارچه‌های یک بزازی است. آیا او زنی از بانوان حرم‌سرای شاهی است یا پیرزنی فرتوت که می‌خواهد برای دختر یا نوهی خود پارچه‌ای انتخاب کند؟ معلوم نیست. چقدر این چادر همه چیز را به صورتی اسرارآمیز و معمایی در می‌آورد؟».^۲

- کلی‌گویی در مورد زن ایرانی: کلی‌گویی، روشی ساده و میان‌بُر است که به صورت خطایی فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اغلب به اشتباه می‌انجامد. شمار زیادی از سفرنامه‌نویسان نیز ویژگی‌های بخشی از جامعه‌ی زنان را به همه‌ی زنان ایرانی تعمیم داده‌اند و در داوری‌هایشان از واژه‌هایی چون: همه، تمام، هر، هیچ‌کدام و ... زیاد استفاده کرده‌اند. این کلی‌نگری در موارد مثبت و منفی قابل مشاهده است. البته برخی این روش را نمی‌پسندند. آنه می‌نویسد: «ولی من نمی‌خواهم به تقلید یکی از جهانگردان فرانسوی که اتفاقاً زن موقرمرزی دیده و در سفرنامه‌ی خود نوشته بود همه‌ی زن‌های ایرانی موقرمرزند؛ ادعا کنم که همه‌ی زنان ایرانی از چنین زیبایی و جاذبه‌ای برخوردارند».^۳ فوریه نیز در یک قضاوت کلی درباره‌ی رفتارهای زنان ایرانی، معتقد است که زنان ایرانی درباره‌ی خوبی‌ها و مباحث ارزنده، دیدگاهی سطحی دارند در حالی که درباره‌ی موضوعات منفی وقت بیشتری به آن اختصاص می‌دهند.^۴ اوژن فلاندن نیز در سفرنامه‌ی خود، زنان ایرانی را که در حرم‌سراها به سر می‌بردند، فاقد آگاهی اجتماعی می‌داند.^۵ این قضاوت‌ها بسیار کلی

۱. سفرنامه کنت دو گوینو؛ سه سال در آسیا، همان، ص ۴۰۸.

۲. گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل، ص ۱۶۵.

۳. همان، ص ۱۶۳.

۴. ژوانس فوریه (۱۳۶۶)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب، ص ۶۶.

۵. اوژن فلاندن (۱۳۵۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی، ص ۶۷.

است؛ زیرا برخی از زنان درباری، علاوه بر آشنایی به زبان‌های خارجی سعی در فراگیری برخی دانش‌ها داشته و کم و بیش به برخی فنون و حرفه‌ها از خود علاقه نشان می‌دادند. بن‌ت‌ان نیز درباره‌ی توجه به زنان و نگاه جامعه و خانواده درباره‌ی آنان می‌نویسد: «این توجه نسبت به زنان و خرج‌گرافی که برای تجمل آنان متحمل می‌شوند و مواظبتی که در پیری و ناتوانی از آنان به عمل می‌آورند با ظاهر بی‌محبتشان (مردان) مغایرت دارد»^۱.

- سنجش با خود (غرب‌محوری): اصطلاح «غرب‌محوری»، بدین معناست که نویسندگان غربی، غرب را به منزله‌ی مرکز و دیگر ملت‌ها را در حاشیه می‌دیده‌اند. در برخی موارد درستی و نادرستی و حتی زشتی و زیبایی، هنگام سنجش با غرب و فرهنگ خود غریبان سنجیده شده است؛ گویا معیار همه چیز فرهنگ برتر خودی است. این سنجش در جاهایی آگاهانه و در بسیاری از موارد ناآگاهانه است. در ویل در مقایسه رفتاری زنان اروپایی با زنان ایرانی، آنان را در یک سطح قرار می‌دهد و می‌نویسد که «زن‌های ایرانی برای بدگویی و افترا زدن احتیاج به تعلیم گرفتن از زن‌های اروپایی ندارند و با مقایسه‌ی آن‌ها با زنان ولن‌گار اروپایی می‌توان نتیجه گرفت که در این مورد نیک‌خواهی و مروت مسلمان‌ها و مسیحی‌ها در یک سطح قرار دارد»^۲. و در ادامه می‌نویسد: در قصر سلطنت‌آباد در اتاق دیگر، همان نقاش که خواسته بود برتری و فضیلت پیروان اسلام را نسبت به ما نشان دهد، با رنگ‌های عجیب و غریب، تصویر زنان ایرانی را مجسمه‌ای از شرم و حیا و فروتنی کشیده بود، ولی زن‌های اروپایی را طوری نشان داده بود که ظاهراً کارشان فقط هرزگی و باده‌پرستی است»^۳.

- پوشش زن ایرانی: همان‌گونه که پیشتر مورد بررسی قرار گرفت، ملاک قضاوت سیاحان اروپایی، زنان شهری به ویژه زنان درباری بوده است. بنابراین آنچه در مورد پوشش زنان بیان شده است، مربوط به این طبقه بوده و کمتر به زنان روستایی و عشایری توجه شده است. ولی با وجود این، در لابه‌لای نوشته‌های برخی از آنان می‌توان اشاره‌هایی در مورد

۱. سفرنامه بن تاتن، ص ۱۰.

۲. سفر در ایران، ص ۶۶.

۳. سفرنامه اورسل، ص ۲۱۳.

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۱۵

نحوه‌ی پوشش زنان روستایی این دوره مشاهده نمود. این دسته از سیاحان، همان‌هایی هستند که مأموریت سیاسی نداشته و به قصد سیاحت به ایران آمده‌اند، بنابراین کمتر در مناطق شهری اقامت داشتند. آنه در این زمینه می‌نویسد: «به نظر من زنان ایرانی بیش از تمام کشورهای مشرق‌زمین مقید به حجابند و با دقت و وسواس بیشتری قد و بالا و چهره‌ی خود را می‌پوشانند»^۱.

درووایل نیز با توجه به نگاه ستایش‌آمیز به زنان، درباره‌ی پوشش زنان ایرانی معتقد است، با این که زنان ایرانی لباس‌های زیبایی بر تن ندارند، اما به طور زیبایی خود را می‌آرایند؛ به ویژه آرایش گیسوان زنان را مورد تحسین قرار می‌دهد^۲ و در ادامه می‌نویسد: «زنان ایرانی هنگام خروج از منزل خود را با طاقه‌ی بسیار بزرگی از پارچه می‌پوشانند که تا روی زمین پایین می‌آید و آن را چادر می‌نامند... زن‌ها چادر را به وسیله‌ی نوارهایی که از داخل دوخته شده، به سر و گردن بند می‌کنند و صورت خود را به نقابی که رویند نامیده می‌شود می‌پوشانند»^۳. دروویل در یک مقایسه‌ی کلی درباره‌ی پوشش زنان عادی با زنان طبقه‌ی مرفه، معتقد است: زنان طبقات فرودست جامعه به دلیل شرایط زندگی‌شان از پوشش ساده‌تری برخوردارند.^۴

بن‌تآن درباره‌ی پوشش زنان به جزئیات پوشش آن‌ها توجه خاصی نشان می‌دهد و معتقد است، پوشاک زنان ایرانی با آن‌که از ظرافت برخوردار نیست، با این حال زنان برای جبران آن از زیورآلات زیادی برای زیبایی پوشش و لباس خود سود می‌برند.^۵ دیولافوآ نیز در مناطق عشایری جنوب غرب ایران، مشابهت‌هایی در علایق و سلیقه‌های زنان عشایری و شهری می‌بیند؛ اما معتقد است زنان عشایری از لباس‌هایی با تنوع رنگ‌های زیبا برخوردار بوده و آزادی آنها نسبت به زنان شهری بیشتر است، هرچند این زنان نیز

۱. گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل، ص ۱۶۲.

۲. سفر در ایران، ص ۵۶.

۳. همان، ص ۵۸.

۴. همان.

۵. سفرنامه بن‌تآن، ص ۱۰۸.

مانند زنان شهرنشین به جواهرات علاقه خاصی دارند.^۱

بازنمایی کارکرد زنان ایرانی در عصر قاجار از نگاه سیاحان فرانسوی

سفرنامه‌ها همچون تصویری زنده از جامعه و مردم یک کشور هستند که در دوره‌ای به حیات زیستی و فرهنگی آنان توجه نموده‌اند. با این حال، انعکاس اوضاع و تصویر جوامع در سفرنامه‌ها بر اساس قاعده و قانون خاصی مبتنی نیست و بیشتر تحت تأثیر نگرش‌های سیاح می‌باشد. بنابراین در تصویرهایی که از جامعه‌ی ایران در آثار سیاحان اروپایی انعکاس یافته، بسیار متفاوت است. به عنوان نمونه، گوینو با وسواس و تعصب به جامعه‌ی ایران عصر قاجار نگریسته و سفرنامه‌ی او را به نوعی می‌توان دهن‌کجی به سفرنامه‌ی جیمز موریه به حساب آورد. روس‌ها صرفاً به پدیده‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران، توجه ویژه داشته‌اند. برخی نظیر لیدی شیل انگلیسی با ذهنیت غلط و غرض‌ورزی، تصویر نادرستی از جامعه ایران در سفرنامه خود بازتاب داده است. در حالی که ادوارد براون، هم‌وطن شیل، با تفکر و ذهنیتی فرهنگی دستاوردهای فرهنگی و معنوی ایران را تأیید و ستایش کرده است.

جامعه‌ی ایران عصر قاجار، شاهد دگرگونی‌های زیادی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی به ویژه در مورد زنان بوده است. گسترش روابط ایرانیان با جامعه‌ی غرب، با آن که زبان‌های متعددی از نظر اقتصادی و سیاسی بر جامعه ایران وارد کرد، اما در حوزه فرهنگی موجب گردید ایرانیان با دستاوردهای مدنی، حقوقی و اجتماعی دنیای غرب آشنا شوند و از این رهگذر برخی از روشنفکران، سعی در برقراری نهادها و مفاهیم مدنی غرب در جامعه‌ی ایران برآمدند. با این که در آغاز راه حیات روشنگری جامعه ایران، اغلب پیشتازان جریان‌های سیاسی، فکری و اجتماعی مردان بودند؛ اما زنان به جهت شرایط اجتماعی و فکری روزگار، بستری برای فعالیت نداشتند؛ زیرا عوامل فرهنگی و مذهبی جامعه عصر قاجار چنین فرصتی در اختیار زنان قرار نمی‌داد. در مکتوبات بر جا مانده از

۱. ژان دیولافوآ (۱۳۵۳)، *خاطرات کاوشهای باستان‌شناسی شوش*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۱۷

این دوره، میزان حساسیت به قشر زنان به خوبی منعکس شده است.^۱ با این حال از اواسط این دوره به جهت گسترش مبادلات بین ایران و اروپا تغییراتی اساسی در وضعیت زنان ایجاد شد و زنان از این فرصت‌ها بهره‌برداری کردند.

با وجود گسترش ارتباط ایران عصر قاجار با اروپا، صرفاً این مسأله موجب تغییر کارکرد اجتماعی و فکری زنان در این دوره نشد، بلکه تشکیل جلسات دینی در قالب جلسات و دورهم‌نشینی‌های زنانه و استفاده‌ی زنان باسواد از روزنامه‌ها و اخبار روزانه موجب انتقال آگاهی و اخبار دنیا به ویژه نقش و کارکرد زنان دنیای غرب در جامعه شده و در نهایت، این مسأله نیز سبب ایجاد پرسش در اذهان آنها می‌شد. در نتیجه از دوره‌ی ناصری، زنان در تظاهرات‌ها و جریان‌های سیاسی روز نقشی تاریخ‌ساز داشتند. نقش مهم و تاریخ‌ساز زنان در جنبش تنباکو، به عنوان فصل مهمی در حضور سیاسی، فکری و اجتماعی زنان ایرانی در جامعه عصر قاجار است. با وجود فعالیت‌های مؤثر زنان در دوره‌ی ناصری، گزارش‌های تاریخی مورخان درباره‌ی آنان بسیار محدود است؛ زیرا اساساً تاریخ‌نگاری با محوریت تأثیرگذاری حکومت‌ها و نقش‌نخبگان شکل گرفته و اشاره‌های منابع تاریخی به حضور زنان در جامعه، به دلیل واقعیت‌های تاریخی بوده است. نکته‌ی جالب‌توجه در نوشته‌های عصر قاجار، تکیه بر کارکرد و نقش زن در جهت بیداری جامعه‌ی ایران بوده است.

سیاحان و گزارش‌نویسان اروپایی نیز به جهت روحیه‌ی ماجراجویی خود به این قشر از زنان توجه نشان می‌دادند. پیچیدگی اوضاع اجتماعی و زندگی زنان به ویژه زنان حرم‌سرا و میزان نفوذ آنان در دربار به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های کشور یکی از نکاتی بود که سیاحان اروپایی به آن علاقه‌مند بودند. با آن‌که در عصر قاجار، زنان طبقات پایین جامعه به‌ویژه رعایا، همانند مردان به فعالیت اقتصادی مشغول بودند؛ کارکرد این قشر از زنان چندان مورد توجه سیاحان قرار نگرفته است؛ اما زنان درباری مورد توجه خاص سفرنامه‌نویسان به ویژه سیاحان انگلیسی بوده‌اند که بیشتر دارای رویکردی سیاسی بوده است. در حالی که سیاحان فرانسوی مورد بررسی، علاوه بر بازنمایی کارکرد زنان حرم‌سرا،

۱. غلامحسین زرگری نژاد (۱۳۷۴)، رسائل مشروطیت، تهران: کویر، ص ۶۷.

به زندگی سایر زنان نیز توجه نشان داده‌اند.^۱ با توجه به بررسی‌های انجام گرفته، حیات اجتماعی زنان تا دوره مشروطه را می‌توان از تأسیس سلسله‌ی قاجار تا عصر ناصری و از دوره‌ی ناصری تا مشروطه تقسیم نمود. فعالیت اجتماعی و فکری زنان در دوره‌ی پیش از ناصرالدین‌شاه، صرفاً محدود به نقش زنان حرم‌سرا می‌شود؛ اما از دوره‌ی ناصری با گسترش صنعت چاپ و انتشار روزنامه به ویژه روزنامه‌های غیردولتی، زنان با آگاهی از اوضاع فکری و سیاسی دنیا به عنوان قشری مؤثر در تاریخ عصر قاجار تاریخ‌ساز شدند و در اغلب جریان‌های سیاسی به عنوان قشری مؤثر وارد عرصه‌ی جامعه شدند.

هرچند ممکن است بازنمایی زنان ایرانی در سفرنامه‌ها از جنبه‌های دیگر نیز قابل بررسی و مطالعه باشد، اما برای خارج نشدن از چارچوب نظری پژوهش به همین موارد اکتفا می‌شود. چنانچه موضوع زن با سه رویکرد نظریه‌ی بازنمایی استوارت هال مورد بررسی قرارگیرد، هر کدام از این موضوعات با کدام رویکرد قابل تحلیل هستند. اگرچه نظر استوارت هال بر این است که بازنمایی رویدادها بر اساس رویکرد سوم انجام می‌گیرد؛ اما به نظر می‌رسد، بازنمایی موضوعات مختلف با توجه به نوع موضوع و ساختار آن متفاوت بوده به طوری که در تحلیل این موضوعات، این مهم آشکارا خودنمایی می‌کند. بنا بر تحلیل‌های انجام شده این سه رویکرد مطابق با سه محور سنجیده شده است:

۱- رویکرد بازتابی = متن محور

۲- رویکرد ارجاعی = مؤلف محور

۳- رویکرد برساختی = خواننده محور

نگاه متن محور، ساده‌ترین شکل مطالعه‌ی متن [متن به معنای عام] است. در این نگاه که در نظریه‌ی بازنمایی هال تحت عنوان رویکرد بازتابی مطرح گردیده است، نویسنده همانند یک عکاس یا نقاش واقع‌گرا تنها در صدد ثبت رویدادها، دیده‌ها و شنیده‌های خود برمی‌آید. این‌گونه نوشته‌ها، البته در جهت آشنایی ما با مطالب تاریخی، مفید و ذی‌قیمت هستند و می‌توان از لابه‌لای آن‌ها به اطلاعات بسیاری دست یافت که در کتاب‌های تاریخ،

۱. عباس، پناهی «نقش اجتماعی زنان در لغو امتیاز تنباکو»، دوفصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، س ۹،

ش ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۵۰.

امکان دسترسی به آن‌ها وجود ندارد.

در نگاه متن‌محور که منطبق با رویکرد بازتابی هال است، هیچ‌گونه تحلیلی از سوی راوی و مشاهده‌گر یعنی سیاح صورت نمی‌گیرد و معمولاً این امر توسط خواننده هم کمتر انجام می‌پذیرد. متن توصیفی آن، چیزی است که نویسنده هنگام سیر و سیاحت و یا در طول زندگی خود مشاهده نموده و آن را عیناً نقل کرده است. در توصیف زنان ایرانی، مواردی چون پوشش زنان و زیبایی آنان در این مقوله جای می‌گیرند.

نگاه مؤلف‌محور که منطبق با رویکرد دوم هال یعنی رویکرد ارجاعی (تعمدی) است، بیشتر ناظر بر مطالبی است که ضمن توجه نویسنده به خود، ذهن او را نیز به چالش کشیده است و نویسنده در خلال نوشته‌های خود اظهارنظرها، قضاوت‌ها و برداشت‌های خود را نیز ابراز نموده است و چون این امر از دریچه‌ی ذهن نویسنده صورت گرفته، در پاره‌ای مواقع با واقعیت منطبق نیست و در برخی موارد، با مبالغه‌گویی نیز همراه است. همین امر موجب گردیده تا انتقادهای تند و گاه شتاب‌زده نسبت به این نوشته‌ها به نگارش درآید. در خصوص زنان، مواردی چون کلی‌گویی، غرب‌محوری و سنجش با خود در این مقوله قابل بررسی است.

نگاه خواننده‌محور معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که خواننده با نگاهی تحلیلی به مطالعه‌ی متن بپردازد. تا زمانی که خواننده از روی تفنن و سرگرمی، متن را (که البته در این‌جا متن سفرنامه مدنظر ماست) مطالعه می‌کند قاعدتاً هیچ نگاهی شکل نمی‌گیرد و متن به صورتی کاملاً منفعلانه فاقد هرگونه ارزش محتوایی خواهد بود، اما زمانی که خواننده با نگاهی تحلیل‌گرا، متن را می‌کاود، ظرفیت‌های بالقوه‌ی متن به فعل درآمده و نتایج چشم‌گیری به حصول می‌پیوندد. از این‌روست که هال معتقد است بازنمایی دارای ویژگی‌های برساختی است. برساختی بودن بازنمایی برای استوارت هال از خلال نگاه به زبان، به مثابه رسانه‌ی محوری، در چرخه‌ی فرهنگ شکل می‌گیرد که معانی، به‌وسیله‌ی آن در چرخه‌ی فرهنگ، تولید و چرخش می‌یابند. تحقیر و تمسخر زن ایرانی که در نتیجه‌ی تحلیل خواننده از متن به حصول می‌پیوندد - که البته خود می‌تواند معلول علت‌های متعددی باشد - را می‌توان در این مقوله جای داد.

این رویکرد در مطالعه‌ی سفرنامه‌ها البته، زمانی سودمند خواهد بود که خواننده فارغ از هر گونه پیش‌داوری، تعصب و قضاوت‌های شخصی، به تحلیل محتوای سفرنامه‌ها بپردازد. در غیر این صورت مطالب سفرنامه‌ها نمی‌تواند به عنوان موادی مناسب در رسیدن به یک جمع‌بندی دقیق مفید واقع شود. با مطالعه‌ی سفرنامه‌ها در این دوره‌ی تاریخی مشخص می‌توان به روند حضور زنان در مسائل اجتماعی و نقش آنان پی‌برد. اگر چه در دوره‌ی قاجار، این تحولات چندان چشم‌گیر و محسوس نبوده ولی قابل توجه است. این روند در دوره‌ی ناصری که همزمان با عصر بیداری در ایران بوده است قابل تأمل است. دکتر فوریه که پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه بود در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «من که مدت چندسال طبیب مخصوص اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه و شاهد عینی زندگانی روزانه‌ی او بوده‌ام چیزهایی دیده‌ام که نه تنها هیچ مسافری نمی‌تواند بر آن‌ها اطلاع یابد، بلکه آگاهی از آن‌ها بر هر کسی نیز که در ایران مقیم شده باشد مشکل است»^۱.

اگرچه وضعیت زنان حرم‌سرا بنا به گفته‌های فوریه چندان تغییری نکرده است، ولی فرستادن یکی از زنان به نام امینه اقدس به اروپا برای معالجه چشم، درخور توجه است: «امینه اقدس را در وینه پروفیسور فوکس در ۲۴ آوریل یعنی یک ماه قبل عمل کرده و هنوز آنجاست. می‌گفتند بدرالسلطنه هم می‌خواست که با او به اروپا برود ولی امینه اقدس به این امر رضا نداد تا همه چنین تصور کنند که شاه این لطف را فقط در حق او نموده است»^۲. اگرچه این امر به‌ظاهر چندان با اهمیت به نظر نمی‌رسد، اما این مورد و موارد مشابه بیان‌کننده‌ی این واقعیت است که وضعیت زنان در این دوره روزه‌روز، رو به بهبود بوده است.

هرچند در برخی از منابع به نظر نمی‌رسد این تحولات چندان چشم‌گیر بوده باشد؛ به طوری که در سفرنامه‌ی کلود آنه که در آستانه‌ی انقلاب مشروطه نگاشته شده است، می‌خوانیم: «مردان ایرانی بی‌هدف در کوچه و بازار پرسه می‌زنند و زیاد صحبت می‌کنند. مردان ایرانی در کوچه و بازار و یا میدان‌های شهر به صورت گروه‌های چند نفری با

۱. سه سال در دربار ایران، ص ۷۳.

۲. گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل، ص ۲۳۹.

تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه ۲۱

یکدیگر در حال گفتگو هستند. در این گردش‌ها هیچ زنی مردان را همراهی نمی‌کند؛ زیرا ایرانیان معتقدند زن قسمت اعظم عمر خود را باید در خانه بگذراند.^۱ این موارد استثناء است و موارد مشابه دیگر بیانگر این واقعیت است که حداقل تا پیدایش انقلاب مشروطه، تغییرات محسوسی در روند تحولات نقش زنان ایجاد شده است.

نتیجه

با توجه به مطالعات انجام گرفته درباره‌ی بازنمایی زن در سفرنامه‌های سیاحان فرانسوی عصر قاجار، می‌توان استنباط کرد که آن‌ها در سفرنامه‌های خود، اغلب زنان شهری این دوره را توصیف کرده‌اند و دلیل این امر نیز به حضور بیشتر این سیاحان در شهرها باز می‌گردد. در نتیجه بازنمایی آنان شامل همه‌ی طبقات اجتماعی زنان ایرانی نمی‌شود. تصاویری را که این سیاحان در نوشته‌های خود بازنمایی کرده‌اند، می‌توان در زمینه‌های چندی دسته‌بندی نمود. زیبایی زنان ایرانی یکی از ویژگی‌های بارزی است که بنا بر اذعان اکثر سیاحان مورد بحث، بخشی است که به چشم ندیده‌اند و تنها از دیگران شنیده‌اند و در نوشته‌های خود منعکس کرده‌اند و اغلب با تحسین و تمجید همراه بوده است. چه بسا این قضاوت‌ها تنها بر اساس شاخصه‌های زنان حرم‌سراها بوده که بعضاً بدانجا دسترسی داشته‌اند و یا نقاشی‌هایی که از دوره‌ی تیموری و پس از آن بجا مانده است.

پوشش زنان بخشی از ویژگی‌هایی است که در حالت معمول به چشم می‌آید و عیناً توسط سیاحان یا گزارش‌نویسان نقل می‌شود و چون موجب می‌شد این افراد نتوانند چهره‌ی زنان را ببینند، موجب پرخاشگری آنان شده است و سخنان تند و گاه تحقیرآمیز به زبان آورده‌اند. بنابراین نمی‌توان صدق و کذب همه‌ی این گفته‌ها را به طور قطع به یقین تأیید کرد.

خوی و منش زنان ایرانی نیز بخشی از ویژگی‌هایی است که بر اساس گفته‌ها و شنیده‌های دیگران به قضاوت نشست‌اند. در این بخش، شاخصه‌هایی از زن شرقی را می‌توان دید که در برابر زن غربی - سنجش با خود یا غرب محوری - خودنمایی می‌کند.

در این موارد هم تا حدودی سلیقه‌ی شخصی نویسنده، ملاک داوری و قضاوت قرار می‌گیرد و نمی‌تواند معیار درستی در این زمینه باشد. بنابراین می‌توان چنین گفت که با دقت نظری که سیاحان اروپایی در مسائل فرهنگی داشته‌اند در بازنمایی زنان چندان موفق نبوده‌اند و این بازنمایی گرچه گسترده به نظر می‌رسد؛ ولی سطحی و قابل تأمل است. از مجموع داده‌های سفرنامه‌های فرانسویان در این دوره، می‌توان روند تحول حضور زنان در این دوره‌ی زمانی و توجه بیش از پیش به آن‌ها در اواخر دوره‌ی مورد بحث، یعنی در آغاز مشروطه را به طور محسوسی مشاهده نمود. به طوری که دوره ناصری به اوج خود می‌رسد. هرچند سیاحان فرانسوی در بازنمایی آن در سفرنامه‌های خود چندان موفق به نظر نمی‌رسند.



فهرست منابع و مآخذ

- آنه، کلود (۱۳۷۰)، *گل‌های سرخ اصفهان*: ایران با اتومبیل، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: روایت.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، *سفرنامه‌ی اورسل*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بن تان، آگوست (۱۳۵۴)، *سفرنامه بن تان*، ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه، تهران: سپهر.
- پناهی، عباس، «بازتاب فرهنگ و اجتماع ایران در سفرنامه‌های اروپاییان»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۳، ۱۳۸۸، ص ۶۹-۶۱.
- _____، «نقش اجتماعی زنان در لغو امتیاز تنباکو»، دوفصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، س ۹، ش ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۷۳-۲۴۹.
- پوراحمد جکناجی، محمدتقی (۲۵۳۵)، *فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران*، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- تره زل (۱۳۶۱)، *یادداشت‌های ژنرال تره زل در سفر به ایران راجع به سال‌های ۱۸۱۲-۱۷۸۹*، به‌اهتمام ژ. ب. دوما. ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: فرهنگسرا، یساولی.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۵)، *خلقیات ما ایرانیان*، تهران: کتابخانه فروغی.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۲)، *تاریخ خانم‌ها*، تهران: قصیده‌سرا.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۴)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شب‌اوز.
- دسوقی، محمد (۱۳۶۷)، *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه‌ی شرق‌شناسی*، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: هزاران.
- دیولافوآ، ژان (۱۳۵۳)، *خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوئش*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- روششوار، کنت ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهران توکلی، تهران: نی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴)، *رسائل مشروطیت*، تهران: کویر.
- شیبانی، ژان رز فرانسواز (۱۳۵۳)، *سفر اروپاییان به ایران*، ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، تهران: علمی فرهنگی.
- فاروقی، فؤاد (۱۳۶۱)، *سیری در سفرنامه‌ها*، تهران: عطایی.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فووریه، ژوانس (۱۳۶۶)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- گوینو، آرتور (۱۳۶۷)، *سفرنامه‌ی کنت دو گوینو؛ سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب‌سرا.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹)، *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی*، تهران: آفرینش.
- Hall, Stuart, (1997), *The Work of Representation, in cultural Representation and Signifying Practice*, Sage publication.